



Analysis and consideration of the differences the seven recitations on Yasin surah*

Ali Asvadi^۱

Fatemeh Asbaghi^۲

Abstract

The Qur'an is the word of revelation and the eternal miracle of the Prophet of Islam (peace and blessings of Allaah be upon him) and its non-distortion is one of the certain beliefs of Muslims.

But in the meantime, due to certain accents in Arabic, there were differences in the way of reading, reciting and writing.

In the middle of the second century AH, seven readers became known as experts and skilled, each of whom had two narrators.

The only recitation that is common among Muslims in the third class of Quran reciters has a correct and consistent document is the recitation of Hafs from Asim.

Then, the difference between the readings and the clarification of its facts is of special importance.

By examining the differences in readings in Quranic words, the effect or non-effect of these readings on the meaning of the Quran is realized.

This research has dealt with a descriptive-analytical approach regarding the difference in readings of Yasin Surah which has ۸۳ verses and the findings of this study indicate that out of ۲۸ cases of differences in readings in Yasin Surah, ۲۲ words have no effect on the meaning and ۶ words is effective in the sense that most of these cases are in the realm of morphological categories;

It was also found that despite these differences, it does not have a significant effect on reading and understanding the content of the verses and has a good compatibility with the structures of the Arabic language.

Keywords: Quran, difference of readings, semantic effect, Surah Yasin, readings of seven, readings of seven.

*. Date of receiving: ۲۱, December, ۲۰۲۰, Date of approval: ۲۰, May, ۲۰۲۱.

^۱-Assistant professor of Kharazmi University(Corresponding Author), asvadi@khu.ac.ir

^۲- Student of Level ۴ comparative interpretation of kuthar training islamic studies complex, rohangezabaghi@yahoo.com



واکاوی و بررسی اختلاف قرائات سبع در سوره یس*

علی اسودی^۱ - فاطمه اسبقی^۲

چکیده

قرآن کلام وحی و معجزه جاوید پیامبر اسلام ﷺ است که عدم تحریف آن از اعتقادات مسلم مسلمانان است؛ در این میان به دلیل وجود لهجه‌های خاص زبان عربی، اختلاف‌هایی در شیوه قرائت، تجوید و نگارش پیش آمده است. هفت نفر از قراء در نیمه قرن دوم هجری قمری به‌عنوان قاریان متخصص و ماهر شهرت یافتند که هرکدام از آن‌ها دارای دو راوی بودند. تنها قرائتی که در طبقه سوم قاریان قرآن دارای سند صحیح و متواتر میان مسلمانان متداول بود، قرائت حفص از عاصم است. از این رو اختلاف قرائات و روشن شدن حقائق آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با بررسی اختلاف قرائت در واژگان قرآنی، به تأثیر یا عدم تأثیر این قرائت‌ها در معنای قرآن پی برده می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در خصوص اختلاف قرائات سوره یس - دارای ۸۳ آیه - می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: ۲۸ مورد اختلاف قرائت در سوره یس وجود دارد که ۲۲ واژه آن بدون تأثیر در معنا و ۶ واژه آن در معنا تأثیرگذار است که غالب این موارد مربوط به حوزه مقوله‌های صرفی است؛ همچنین مشخص گردید، این اختلافات تأثیر بسزایی در خوانش و درک محتوای آیات ایجاد نکرده و سازگاری مناسبی با ساختارهای زبان عربی دارد.

واژگان کلیدی: قرآن، اختلاف قرائات، تأثیر معنایی، سوره یس، قرائات سبع، قراء سبعه.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۳۰.

^۱ - استادیار دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول): asvadi@khu.ac.ir

^۲ - دانش پژوه سطح ۴ تفسیر تطبیقی مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر: rohangizasbaghi@yahoo.com

مقدمه

پس از نزول قرآن و مسلمان شدن عرب‌های جاهلی، تفاوت لهجه‌های قبایل یکی از دلایل اختلاف قرائت قرآن کریم شد. بعد از رحلت پیامبر ﷺ آیات پراکنده در سینه‌های حافظان قرآن توسط امیرالمؤمنین (ع) به ترتیب نزول قرآن تدوین شد. با توجه به اختلاف نظرها در مورد تعداد تدوین‌کنندگان در آن عصر، جهت جلوگیری از عواقب وخیم، عثمان قرآن را بعد از تنظیم، تکثیر کرد و به مدینه، مکه، بصره، شام، بحرین، یمن، مصر و الجزیره فرستاد. با وجود اهمیاتی که در نگارش صحیح مصاحف در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم به عمل آمد، وجود غلط‌های املائی، یکی دیگر از دلایل بروز اختلاف قرائات شد. از طرفی ابن مجاهد به‌طور خاص قاریانی را که به‌عنوان قراء سبعة انتخاب کرد، متعلق به همین دوره هستند و با توجه به این‌که قرآن دارای نص واحدی است، تلاش قراء نیز رسیدن به همان نص واحد است.

قراء سبعة شامل: ابن عامر دمشقی (۱۱۸ ق)، ابن کثیر مکی (۱۲۰ ق)، عاصم کوفی (۱۲۷ ق)، ابوعمر و بصری (۱۵۴ ق)، حمزه کوفی (۱۵۶ ق)، نافع مدنی (۱۶۹ ق)، کسایی کوفی (۱۸۹ یا ۱۹۱ ق) هستند (ابن جزری، النشر فی قرائات العشر، ۱۴۱۸ ق: ۱ / ۳۴).

در بین قرائات مختلف، قرائت حفص از عاصم بیشترین اعتبار را در میان مسلمانان دارد؛ چراکه حفص با دو واسطه راوی قرائت امیرالمؤمنین علی (ع) است، به همین دلیل فصیح‌ترین قرائات، قرائت عاصم است. بنا بر همین اختلاف قرائات، درباره صحت یا عدم صحت این قرائات، وجوه، قواعد و مبانی آن‌ها کتاب‌های مفصلی نگاشته شده است.

اقسام قرائات بنا به دلایلی در تفسیر نقش دارند؛ همانند اختلاف در لفظ و معنی با امکان جمع شدن در یک کلمه و اختلاف در لفظ و معنا با عدم امکان جمع شدن در یک کلمه؛ زیرا اختلاف قرائات در الفاظ قرآن، معانی مختلف و متعددی را در یک آیه ایجاد می‌کند و همین امر سبب اختلاف در تفاسیر می‌شود؛ و اختلاف قرائاتی همانند: تخفیف، تسهیل، مقدار مد و اماله و تحقیق و ... نقشی در تفسیر ندارند.

نکته حائز اهمیت در بحث اختلاف قرائات این است که با اینکه در برخی موارد ترجمه قرآن را تغییر می‌دهد، ولی مفهوم و هدف اصلی واژه قرآنی و تفاسیر متأثر از آن را تغییر نمی‌دهد. این مقاله درصدد است، پس از بیان نام قاریان و قرائتشان اختلاف قرائات سبع را به روش توصیفی



- تحلیلی در سوره «یس» بررسی کرده و به این سؤالات پاسخ دهد:

۱- در سوره «یس» کدام یک از موارد اختلاف قرائت منجر به تأثیر معنایی می شود؟

۲- منشأ و خاستگاه این اختلاف معنایی از نگاه تفسیری چگونه است؟

پیشینه تحقیق

با بررسی های صورت گرفته مشخص شد که ۴۳ مقاله در ارتباط با موضوع اختلاف قرائات به چاپ رسیده است که به نتایج و یافته های ۴ مورد از آن اشاره می شود:

۱. مقاله «تحلیل اختلاف قرائات و رابطه آن با تحریف قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی»، نویسندگان: صدیقه نیک طب و محمدجواد عامری، مطالعات قرائت قرآن، پاییز و زمستان، ۱۳۹۸ ش، شماره ۱۳؛ نویسندگان در این مقاله بیان داشتند که اختلاف قرائت قاریان ارتباطی با متن قرآن و تحریف قرآن ندارد؛

۲. مقاله «واکاوی تأثیر اختلاف قرائات سبع در تفسیر سوره نور»، نویسندگان: سمیه صیادی و سید محمد میرحسینی، مجله مطالعات قرائت قرآن، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش، شماره ۱۲؛ این مقاله که به طور نمونه تأثیر اختلاف قرائات را در تغییر معنای آیات یک سوره بررسی نموده است، به عدم تأثیر چشم گیر اختلاف قرائات رسیده است؛

۳. مقاله «دیدگاه شیخ طوسی در مورد قرائت قرآن»، نویسنده: محمد سلطانیه رنانی، مجله مطالعات قرائت قرآن، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش، شماره ۱۲؛ نظر شیخ طوسی در مورد انتخاب قرائت معتبر در اختلاف قرائات چهار ملاک و قاعده است: قرائت مخالف اصول قطعی زبان عربی، قرائت شاذ و نارایج، قرائت مورد نهی معصوم علیه السلام و قرائت مخالف خط مصحف مرسوم نامعتبر است؛

۴. مقاله «تأثیر اختلاف قرائات در تفسیر و فهم برخی از آیات سوره بقره»، نویسندگان: طاهره محسنی و خدیجه احمدی بغیش، مجله سراج منیر، تابستان ۱۳۹۷ ش، شماره ۳۱؛ در این مقاله نویسندگان پس از بررسی و مقایسه قرائات سبع به میزان بالایی از تطابق برخی تفاسیر با روایت حفص از عاصم به عنوان مشهورترین قرائت رسیدند.

۱. سیمای کلی سوره مبارکه یس

سوره مبارکه یس به ترتیب جمع آوری سی و ششمین سوره قرآن و به ترتیب نزول چهل و نهمین سوره از قرآن کریم است که بعد از سوره «جن» و قبل از سوره «فرقان» نازل شده و با ۸۳ آیه از سوره های مکی

است. وجه نام‌گذاری سوره یس، آیه اول این سوره است که با «یس» شروع شده که هم از حروف مقطعه و هم از القاب رسول خدا ﷺ است (شیخ الاسلامی، آشنایی با سوره‌های قرآن، ۱۳۸۵ ش: ۶۶؛ سیوطی، الانتقان فی علوم القرآن، ۱۳۸۰ ش: ۱/ ۱۹۴).

با اندکی توجه به بیانات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام و بزرگان دین به مقام و موقعیت ویژه متعالی سوره یس پی برده می‌شود. پیامبر اکرام ﷺ به جهت آشنایی مؤمنان از مرتبه و جایگاه ممتاز سوره فرموده‌اند: «یاسین قلب قرآن است» (طبرسی، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۳۷۲ ش: ۸ / ۴۱۳؛ ابن بابویه قمی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۳۷۸ ش: ۱۰۰).

بنا بر جایگاه منحصر به فرد قلب در بدن، بر این مقیاس سوره یس نیز همان جایگاه برتر و متعالی در میان سوره‌های قرآن را داراست؛ چراکه پیام اصلی سوره، یادآوری توحید و معاد با تأکید بر مسئله رسالت و قرآن است. با دقت در این مسئله مطلب مهمی کشف خواهد شد که اگر حقیقت باطنی کتاب آسمانی وارد حقیقت باطنی انسان شود و دو قلب بر هم منطبق گردند، انسان به مراتبی که در فضایل سوره یاسین توسط پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام بیان شده، صعود کرده و به مقامات عالی خواهد رسید.

پیامبر اکرم ﷺ در روایت دیگری می‌فرماید:

«هر کس سوره یس را قرائت نماید، مانند آن است که ده بار قرآن را ختم کرده است» (سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ۱۴۰۴ ق: ۵ / ۲۵۶).

یاسین علاوه بر فضیلت قرائت دارای فضائل دیگری نیز است. در کتاب المصباح قید شده است: «هر کس سوره یس را با خود همراه داشته باشد، از چشم زخم و از شر جنیان در امان بوده و خواب‌های خوش می‌بیند» (کفعمی، المصباح، ۱۴۱۴ ق: ۳۱۳).

محتوای سوره مشتمل بر یادآوری توحید، چگونگی رستاخیز و پاسخگویی، رسالت پیامبر اسلام ﷺ، هدف نزول قرآن، اعجازهای علمی قرآن در زوجیت عمومی و حرکت خورشید، سرگذشت حبیب نجار و مردم انطاکیه است (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷ ش: ۱۷ / ۱۴۳). از حقیقت محتوای سوره آثاری اعجاب‌انگیز و زیادی از جمله: مرتفع ساختن بن‌بست‌های زندگی، آسان نمودن امور شاق و دشوار، گشودن درهای بسته، برکت بخشش در علم، عمر و مال، رسوا نمودن دشمنان و خنثی کردن نقشه‌های آنان و ... دیده می‌شود (عبداللهیان، قلب قرآن؛ آشنایی با فضیلت و عظمت سوره مبارکه یس، ۱۳۸۹ ش).



این سوره با توجه به جایگاه ویژه و بطن آسمانی اش دارای نام‌های بامسمایی همچون: قلب قرآن و ریحانه القرآن (ابن بابویه قمی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۳۷۸ ش: ۱۰۰)، دافعه (دفع‌کننده بدی‌ها و زشتی‌ها از زندگی انسان) و قاضیه (برآورنده حاجت‌های قاری سوره یس) (شیخ بهایی، مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة، ۱۳۷۸ ش: ۱۱۸)، معمه (در تورات نیز به سوره یس اشاره شده است، سوره یس در تورات (عمومیت آفرین) نامیده شده، زیرا خیر دنیا و آخرت به قاری خود عطا می‌کند) (مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بی‌تا: ۹۲ / ۲۹۱؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۸ / ۳۱۱؛ معارف، پرسش و پاسخ‌هایی در شناخت تاریخ و علوم قرآنی، ۱۳۹۹: ۱۰۶) است.

۲. قرائات سبع در قرآن کریم

قرائت در لغت به معنی خواندن (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲ ق: ۱ / ۶۵؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۱ / ۱۸)؛ و از نظر واژه‌شناسی به معنی شیوه خوانش است (بهارزاده، روایت حفص از قرائت عامی و دلایل ترجیح آن، ۱۳۷۵: ۹۵-۷۵). قرائات جمع قرائت و نشانگر گوناگونی انواع قرائت است. بدرالدین زرکشی در تعریف اصطلاحی قرائت می‌گوید:

«قرائات عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وَحی است که درباره حروف و کلمات قرآن و کیفیت آن‌ها از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آن‌ها از سوی قراء نقل شده است» (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰ ق: ۱ / ۳۱۸).

علم قرائت در اصطلاح به علمی اطلاق می‌گردد که به چگونگی ادای کلمات قرآن و شناخت اختلاف آن‌ها به حسب راویان است (ابن الجزری، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، ۱۴۲۰: ۴۹). اختلاف قرائات بنا به دلایل متعددی بعد از رحلت پیامبر ﷺ در بین قراء رواج یافت. هر کس با رسم الخط و لهجه متفاوت قرآن را قرائت می‌کرد و همین امر موجب شد تا در زمان خلافت عثمان تمام مصاحف قرآن به صورت مصحف واحدی تألیف گردد. باید به این مطالب به‌طور ضمنی اشاره شود که دانشمندان شیعه و شرق‌شناسان به اختلاف در روایات مربوط به توحید مصاحف عثمانی اشاره کرده‌اند. همان‌طور که بیان خواهد شد، توحید مصاحف باز هم مشکل‌گشای مسئله اختلاف قرائات نشد.

این مصحف به همراه تعدادی از قراء به بلاد مختلف اسلامی جهت آموزش و تبلیغ ارسال شد؛ اما

عامل دیگری مجدداً باعث اختلاف قرائت شد، علاوه بر وجود غلط‌های املائی که در مصحف عثمان وجود داشت، مسائل دیگری همچون اختلاف لهجه‌ها، نبودن اعراب‌گذاری در خط عربی، نبودن اعجام یا نقطه و نشان در حروف، اجتهادهای فردی صحابه و قاریان، نبودن علائم سجاوندی و وقف و ابتدا و هرگونه فصل و وصلی که بعدها علم قرائت عده‌دار تدارک آن شد نیز منشأ اختلاف قرائات گردید.

پس از بروز اختلاف قرائات در قرآن کریم، محققان و علما در جهت معرفی قرائت‌های معتبر از نامعتبر شروط و معیارهایی را بیان کرده‌اند که در تشخیص قرائت‌های معتبر باید آن معیارها لحاظ گردد.

در سده چهارم، ابوبکر بن مجاهد (۲۴۵-۳۲۴ ق) که قرآن‌پژوه نامداری بود، در سال ۳۲۲ ق از میان قاریان بسیار، قراء سبعة را انتخاب کرد که پس از آن زمان، مرجع طراز اول قرائت قرآن شناخته شدند (خرم‌شاهی، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ۱۳۹۳: ۱۶۳۶/۲).

ابن عامر (از بزرگان تابعان و قاضی دمشق)، ابن کثیر (از زمره تابعان)، ابوعمر و (اهل بصره)، حمزه (اهل کوفه)، عاصم (اهل کوفه)، کسائی (اهل کوفه)، نافع (اهل اصفهان) هفت قاری برجسته قرآن کریم هستند (زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی تا: ۱/ ۴۵۳) که تعلیم قرائت قرآن را به عهده گرفتند.

این روش با تمام فراز و نشیب‌های علمی‌اش ادامه داشت تا در دوره امام باقر و امام صادق علیه السلام به دلیل عدم وجود مزاحم از سوی حکومت به مسائل اجتماعی و دینی بیشتر به آن پرداخته شد. در همین دوران علم قرائت بسیار مطرح شد و کار تألیف و تدوین در آن گسترش یافت؛ همچنین اختیاری کردن قرائت در این دوره آغاز شد. با شکل‌گیری علم نحو در قرن سوم، قواعد نحو در علم قرائت راه یافت و معیار مطابقت قرائت با دستور زبان عربی پدید آمد. گسترش و مطرح شدن علم قرائت نشانگر تأیید ائمه علیهم السلام است.

علامه مجلسی به سند خود از حماد بن عثمان نقل می‌کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «احادیث شما برای ما مختلف نقل شده است؛ فرمودند: «قرآن با هفت حرف نازل شده است و کمترین حقی که برای امام است، این است که فتوا بدهد و این هدیه خداست و ما می‌توانیم آن را به مردم ببخشیم یا نبخشیم و امساک کنیم» (مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بی تا: ۹۲ / ۸۳؛ ابن بابویه قمی، الخصال، ۱۴۰۳: ۲ / ۳۵۸).



در این روایت اگرچه مستقیماً به قرائات سبعة اشاره نشده است، ولی چه بسا رضایت خودشان را نسبت به قرائات ابراز نموده‌اند. البته در این میان عده‌ای از دانشمندان علوم قرآنی همچون آیت‌الله معرفت و آیت‌الله خویی اشکال نموده‌اند و این روایت را مخالف روایتی می‌دانند که امام صادق علیه السلام در جواب کسی که پرسید، آیا آنچه مردم می‌گویند: قرآن را می‌توان با ۷ حرف خواند، صحت دارد؟ «فرمودند: نه دروغ می‌گویند...؛ تا اینکه می‌فرماید: قرآن با یک حرف و از طرف خدا نازل شده است» (کلینی، اصول کافی، ۱۴۲۱: ۲/ ۶۳۰).

صاحب مصباح الفقیه می‌نویسد:

«تکذیب امام صادق علیه السلام مربوط به دلالت روایت است، نه سند آن؛ یعنی تکذیب امام علیه السلام مربوط به مطلب و تفسیری است که از حدیث کرده‌اند. یقیناً ائمه اطهار علیهم السلام با قرائات مشهوری که بین مسلمانان بوده و مشهورترین آن‌ها نیز قرائت قراء سبعة بود، مخالفت نورزیده‌اند؛ چراکه در روایت آمده است، امام صادق علیه السلام در سؤال شخصی که در مورد قرائات قرآن بود، فرمود: «اقرأوا کما علمتم» یا درجایی دیگر می‌فرماید: «اقرأ کما یقرء الناس» (حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۰۳: ۴/ ۸۲؛ کلینی، اصول کافی، ۱۴۲۱: ۲/ ۲۳؛ بیگلری، سر البیان فی علم القرآن با تجوید کامل استدلالی، ۱۳۶۶: ۶۱).

در این زمینه علامه حسن‌زاده آملی می‌فرمایند:

«ائمه علیهم السلام ما با این قرائت‌ها موافقت نموده‌اند، چون در عمر ایشان رایج بوده است و ایشان مردم را از عمل با آن قرائات منع نمی‌کردند و همه‌جا قرائات امامان موافق یکی از هفت قرائت است و این‌که قرائتی از ایشان روایت شود که غیر از قرائت‌های متواتر باشد، بسیار کم است و این مسائل با دقت برای متبحر علوم قرآنی واضح می‌گردد» (حسن‌زاده آملی، قرآن هرگز تحریف نشد، ۱۳۷۱: ۷۸).

نکته حائز اهمیتی که در اختلاف قرائات وجود دارد، این است که در طول تاریخ، اختلاف قرائات از جهت ماده، صورت و إعراب، به قرائت اصلی قرآن خللی وارد نکرده است (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۲/ ۱۴۵-۱۴۶)؛ زیرا عواملی همچون نظارت اهل بیت علیهم السلام، دقت و اهتمام مسلمانان به حفظ قرائت اصلی و مقبولیت قرائت حفص از عاصم، به دلیل انطباق با قرائت امام علی علیه السلام موجب شد تا قرائت اصلی قرآن مصون بماند (استادی، ارتباط اختلاف قرائات با تحریف قرآن، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

الف. قرائات مؤثر در معنای آیات سوره یس

قرآن دارای نص واحدی است و اختلاف میان قراء بر سر به دست آوردن و رسیدن به آن نص واحد است (کلینی، اصول کافی، ۱۴۲۱ ق: ۲ / ۶۳۰، ح ۱۲). علت‌های عمده اختلاف قرائات عبارت‌اند از: اختلاف لهجه‌ها، نبودن إعراب‌گذاری در خط عربی، نبودن افعال یا نقطه و نشان در حروف، اجتهادهای فردی صحابه و قاریان، نبودن علائم سجاوندی و وقف و ابتدا و هرگونه فصل و وصلی که بعدها علم قرائت عده‌دار تدارک آن شد (خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ۱۳۹۳: ۲ / ۱۸۳۶؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۰ ق: ۱۴۱).

اختلاف قرائت‌ها در سراسر قرآن مجید، طبق گفته برخی از مقرّیان، در حدود ۱۱۰۰ مورد اعم از مهم یا غیر مهم است که بیشتر از دوسوم آن‌ها به ادغام یا اظهار و غائب خواندن صیغه مضارع (به اختلاف یاء یا تاء) بر سر فعل مضارع مربوط می‌شود (خرمشاهی، قرآن کریم (همراه با ترجمه، توضیحات، واژه‌نامه)، ۱۳۷۶ ش: ۶۵۸).

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان علت‌های اختلاف قرائات قرآن را ناشی از قواعد صرفی، نحوی، آوایی (زیرا قراء هنگام جاری ساختن همگون‌سازی آوایی سلیقه‌های متفاوتی را پیاده کرده‌اند) و لهجه‌ای دانست که بر اساس همین قواعد، آیات دسته‌بندی می‌شوند. حتی گاهی این اختلاف قرائت‌ها موجب تغییر در معنا نیز می‌گردند.

اول. اختلاف قرائت ناشی از قواعد صرفی

۱. «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ» (یس / ۳۱)؛ «مگر ندیده‌اند که چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آن‌ها به سویشان باز نمی‌گردند؟»

قرائت: عاصم، نافع، حمزه، کسایی، ابن کثیر و ابن عامر: «لَا يَرْجِعُونَ»، «مضارع معلوم» قرائت کرده‌اند. ابوعمر و بنا بر مفعول بودن و ترک تسمیه مضارع مجهول «لَا يَرْجِعُونَ» قرائت کرده است (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۸۲).

در صورت قرائت مشهور «يَرْجِعُونَ» (ثلاثی مجرد) معنی آیه این گونه است: «قطعاً آن‌ها به سوی شما باز نمی‌گردند»؛ یعنی به «اراده خودشان بر نمی‌گردند» عاملی درونی است و در اصل هم «رجعوا» بوده است. و ابوعمر و «يَرْجِعُونَ» را به باب افعال برده تا متعدی در نظر بگیرد: «قطعاً آن‌ها به سوی شما بازگردانده نمی‌شوند». در این قرائت عامل خارجی موجب عدم بازگشت آ‌ها می‌شود و اصل معنا «ارجعهم الله» است. از طرفی هدف آیه عبرت‌دادن به انسان‌هاست که در طول تاریخ قابل مشاهده



است؛ به طوری که قرآن می فرماید: «شما در دوران گذشته ملاحظه کنید که ما چه بسیار مانند شما را هلاک کرده ایم و دیدید به سوی شما برنگشتند و نخواهند برگشت». اختلاف در اعراب موجب تغییر در معنا و مفهوم شده و تا زمانی که فعل در حالت معلوم و ثلاثی مجرد، معنای «عبرت گرفتن» را می رساند، نیازی به بردن به باب مزید نیست و با توجه به صیغه و زمان فعل «لم یروا»، «لا یرجعون» متناسب با آیه است.

۲. «وَأَيُّ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمِيَّتَةُ أَخْيِنَاهَا وَ أَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ» (یس/ ۳۳)؛ «و زمین مرده، برهانی است برای ایشان که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن می خورند.»
 قرائت: نافع، «المیّته»؛ عاصم، حمزه، کسایی، ابن کثیر و ابن عامر: «المیّته» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷/ ۴۸۲؛ قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۳۶۸ ش: ۱۱/ ۷۴).
 «میت» در هر جای قرآن به کار رفته است، به معنی این است که آن چیزی یا آن کس مرده است (کان قد مات) که آیه ۳ سوره مائده «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيِّتَةُ» و آیه ۱۲ سوره حجرات «أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» مؤید این مطلب هستند. میت در قرآن یعنی چیزی یا کسی که مرگ پذیر است یا نزدیک مرگ است یا مرگ در فرجام او است (یعنی هنوز نمرده است) «لم یکن مات».

در آیه «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» (زمر/ ۳۰)؛ «بدون شک تو خواهی مرد و آن ها هم خواهند مرد.» ضمیر «ک» به پیامبر خدا ﷺ برمی گردد و نشان دهنده زنده بودن ایشان بوده و مرگ را در آینده پیامبر ﷺ ترسیم می کند. در ادامه آیه نیز عمومیت قانون مرگ نسبت به فرجام همه انسان ها روشن می شود (ابوعبیده، مجاز القرآن، ۱۳۸۱ ق: ۲/ ۱۶۱).

با توجه به این شرح، به نظر می رسد، دیدگاه ابن عاشور صحیح نیست؛ وی معتقد است که با تشدید و بدون تشدید هر دو در یک معنا هستند و استعمال مساوی دارند (ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۲۲/ ۲۲۵). اختلاف در اعراب و نشانه ها منجر به اختلاف معنا گردید، ولی با توجه به سیاق و ترجمه آیه (زمین مرده) میت به قرائت تخفیف صحیح تر است و قراء دلیل به قرائت تخفیف را سهولت در قرائت عنوان کرده اند (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۴/ ۱۴).

۳. «وَأَيُّ لَهُمُ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ» (یس/ ۴۱) «و نشانه ای [دیگر] برای آنان اینکه: ما نیاکانشان را در کشتی انباشته، سوار کردیم.»

قرائت: نافع و ابن عامر: «ذُرِّيَاتِهِمْ»؛ ابن کثیر، عاصم، ابوعمر و کسایی: «ذُرِّيَّتُهُمْ» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷/ ۴۸۹؛ مکی بن حموش، الکشف عن وجوه القرائات، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۲۱۷)؛

«ذُرِّيَّاتِهِمْ»: برای آنان نشانه‌هایی است. اینکه فرزندان‌شان را در کشتی‌هایی پر از وسایل حمل کردیم. دلیل جمع گرفتن نافع و ابن‌عامر این است که «حملنا» را این‌گونه معنا کرده‌اند، «لأنهم هم المحمولون»؛ اما بقیه قراء، مفرد قرائت کرده‌اند. از طرفی این آیه به دلیل اطلاق لفظ «ذریه» بر ۳ گروه محل بحث شده است. اطلاق لفظ ذریه بر «آباء» به اعتبار آن است که ایشان اصل خلقت اولادند، زیرا اولاد از ایشان خلق می‌شود. «ذر» به معنای خلق است، اگر اطلاق «ذریه» بر اولاد باشد، مراد آن است که خدای تعالی پدران پیشین آنان را در کشتی نشانده و ذریه آنان در اصلااب ایشان بودند؛ بنابراین تخصیص «ذریه» به جهت بلیغ بودن آن در امتنان و مدخلیت آن در تعجب با وجود ملاحظه ایجاز است (قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۳۶۸ ش: ۱۱ / ۸۲)

در این صورت معنی آیه آن است که «ما اولاد ایشان را در کشتی نشانیدیم» که به تجارت می‌فرستند یا زنان و بچه‌های ایشان را که به همراه خود به سفر می‌برند. از طرفی اطلاق «ذریه» بر «زنان» به اعتبار آن است که ایشان کشت زار فرزندان‌اند؛ از این‌رو مجاهدان از قتل ایشان نهی شده‌اند؛ یعنی چون «ذریه» ایشان ضعیف‌اند و «زنان» قوت آن ندارند که در خشکی رنج سفر کنند، برای ایشان کشتی مقرر فرمودیم و باد را مسخر کردیم در راندن کشتی تا هر جا که خواهند به فراغه توانند رفت (کاشانی، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، بی‌تا: ۷ / ۴۴۴).

اختلاف در این واژه در تعداد (مفرد و جمع) است (به همین دلیل جزء قواعد صرفی است). در این صورت یک تغییر معنایی وجود دارد و در صورت جمع نیز بنا بر اینکه که به چه کسی منسوب می‌شود، دوباره تغییر معنایی دارد. بنا بر اصل عدم تقدیر و بنا بر قرائت مشهور، قرائت «ذُرِّيَّاتُهُمْ» صحیح است و از طرفی لفظ «ذریه» اگرچه مفرد به نظر می‌رسد، ولی در داخل خود معنای جمع را نیز دارد.

۴. «وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ» (یس/ ۶۸)؛ «و هر که را عمر دراز دهیم، او را در خلقت دچار افت می‌کنیم؛ آیا نمی‌اندیشند؟»

قرائت: عاصم و حمزه «نُنَكِّسْهُ»؛ ابن‌کثیر، ابن‌عامر، ابوعمر، کسائی و نافع «نُنَكِّسْهُ». گروه اول از «نُكَّسَ» و گروه دوم از «نَكَسَ» گرفته‌اند (طبرسی، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۳۷۲ ش: ۲۰ / ۴۳۰) کلمه «ننکسه» از مصدر «تنکیس» است که به معنای برگرداندن چیزی به صورتی که بالایش پایین شود و نیز قوتش مبدل به ضعف گردد؛ و زیادتش رو به نقصان گذارد و انسان در روزگار پیری همین‌طور می‌شود، قدرت مبدل به ضعف و علم مبدل به جهل و یاد و هوش مبدل به فراموشی می‌گردد (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۳۳ / ۱۷۳؛ زمخشری، الکشاف،



۱۴۰۷ ق: ۴ / ۲۶). اختلاف در اعراب این دو واژه است، «نکس» و «نکس» اگرچه هر دو به یک معنا است، با توجه به این که گفته شده با تشدید دال بر هر دو حالت کثرت و قلت خواهد بود و تأکید معنایی در «نکس» بیشتر است. با توجه به معنای تنکیس معلوم می شود که قرائت «نُکَّسَهُ» صحیح تر است (قرشی بنابی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱ ش: ۷ / ۱۱۱).

قرآنت: نافع، ابن عامر: «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ ابن کثیر، کسایی، حمزه، عاصم: «أَفَلَا يَعْقِلُونَ» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۷۷).

اختلاف در تغییر شکل خطی کلمه با تغییر در معنا است، ولی بر اساس سیاق آیات که متکلم در مورد عمل بر غایب سخن رانده، انتهای آیه با قرائت «أفلا يعقلون» سازگار است.

دوم. اختلاف قرائات ناشی از قواعد نحوی

۱. «تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ» (یس / ۵)؛ «[قرآن] نازل شده توانای شکست ناپذیر و مهربان است.»
 قرائت: ابن عامر، حمزه و کسائی: «تنزیل»؛ عاصم، نافع، ابن کثیر و ابوعمر: «تنزیل» (مکی بن حموش، مشکل اعراب القرآن، ۱۴۲۳ ق: ۲ / ۲۳۲؛ خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۷۵؛ زبیدی، التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت علیه السلام، ۱۴۲۸ ق: ۱۸۳).
 قرائی که منصوب قرائت کرده اند، دلیل منصوب بودن «تنزیل» یا بنا بر مصدر بودن «نَزَلَ تنزیلاً» دانسته اند و یا بر آنکه «اعتی تنزیل» پذیرفته اند؛ و قاریانی که «تنزیل» مرفوع قرائت کرده اند، خبر برای مبتدای محذوف گرفته اند؛ یعنی «هو تنزیل» و یا «هذا تنزیل» (او یا این نازل شده از طرف رحمان و رحیم) (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۴ / ۱۰؛ طبرسی، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۳۷۲ ش: ۵ / ۲۳۷).

علامه طباطبائی دلیل نصب تنزیل را بر این تقدیر «نَزَلَ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ» چنین بیان می کند: «چون «تنزیل» مصدری است که معنای مفعولی دارد، بنابراین منصوب است و ترجمه آیه چنین می شود: منظوم از قرآن همین نازل شده ای است که خدای عزیز و رحیم، آنکه عزت و رحمت در او مستقر است، نازلش کرده است» (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۳۳ / ۱۰۰).

اگر تنزیل را بنا بر مفعول مطلق، منصوب بگیریم، دارای تأکید و مبالغه است. در هر صورت قرائت با نصب برای قرار گرفتن بعد از قسم دلالت بر جواب قسم محذوف دارد که نیاز به تأکید دارد؛ از این رو بر رفع تنزیل ترجیح دارد. نوع اختلاف در قرائت این واژه اعرابی است که همین اختلاف موجب تغییر معنایی است.

۲. «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (یس/ ۹) «و [ما] فراروی آن‌ها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده‌ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده‌ایم، در نتیجه نمی‌توانند ببینند.»

قرائت: ابن کثیر، نافع، ابن عامر و ابوعمرو: «سُدّا»؛ عاصم، حمزه و کسائی: «سُدّا» (زیبیدی، التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت علیهم‌السلام، ۱۴۲۸ ه. ق: ۱۸۳؛ ابن زنجله، حجة القراءات، ۱۴۰۴ ق: ۵۹۶؛ مکی بن حموش، الكشف عن وجوه القرائات، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۲۱۴)

دلیل گروهی که «سُدّا» قرائت کرده‌اند، این است که این واژه را به معنای «ابر سیاه» گرفته‌اند. صاحب تفسیر کبیر «سُدّا» را به سدّی تشبیه کرده که اطراف آدمی کشیده شده باشد و نگذارد انسان آیات موجود در آفاق را ببیند. با توجه به آیه قبل «سُدّا» نیز مانند «اغلالاً» تشبیه شده به اینکه مانعی برای انسان به وجود می‌آید و نمی‌گذارد انسان در آیات خدا - چه انفسی، چه آفاقی - نظر کند (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰ ق: ۲۶ / ۲۵۶). صاحب کشف معنای «سُدّا»: «ما کان من عمل الناس» و معنای «سُدّا»: «ما کان من خلق الله» بیان کرده است (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۶ / ۴).

علامه طباطبایی کلمه «سُدّا» را در حالت نصب، به معنای حائل بین دو چیزی می‌داند و جمله «مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ» را کنایه از همه جهات بیان می‌دارد؛ بنابراین معنای آیه این است: «از همه اطراف دورشان سد بسته‌ایم، دیگر نه می‌توانند ببینند و نه هدایت شوند» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۳۳ / ۱۰۴).

اختلاف قرائت در این واژه اعرابی است؛ یعنی اختلافی که منجر به تغییر معنا در «سدا» شده است. قرائت «سُدّا» به دلیل شاذ بودن و عدم همخوانی با سیاق آیه رد می‌شود. از این‌رو با توجه به این معنا (گمراهی و کفر و طغیان کفار همچون سدّی آن‌ها را احاطه کرده و خداوند آن‌ها را از هدایت به‌سوی ایمان محروم ساخته است) و با توجه به سیاق آیات قرائت «سُدّا» بر «سُدّا» ترجیح دارد.

۳. «وَالْقَمَرَ قَدْرَ نَازِهِ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ» (یس/ ۳۹)؛ «و برای ماه منزل‌هایی معین کرده‌ایم، تا چون شاخک خشک خوشه خرما برگردد.»

قرائت: عاصم، حمزه، ابن عامر و کسائی: «قَمَرٌ»؛ نافع، ابن کثیر و ابوعمرو: «قَمَرٌ» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۴۸۷؛ مکی بن حموش، الكشف عن وجوه القرائات، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۲۱۶).

اگر «القمر» منصوب باشد، از باب اشتغال است (و ماه منزل‌هایی برایش قرار دادیم)؛ مفعول برای فعل محذوف است. در باب اشتغال آمده است، اسمی که عاملش متأخر شد و در ضمیرش عمل نمود،



در واقع ضمیر راجع به آن وجود دارد که از باب اشتغال محسوب می شود (صالح سامرایی، معانی النحو، ۱۳۹۵ ش: ۵۳)

صاحب مجمع البیان دلیل رفع «القمر» را این گونه بیان می دارد:
«در عبارت «و آیه لهم» در آیه ۳۷ مرفوع است، بنا بر ابتدائیت و «لهم» صفت آن و خبر آن محذوف است و در ادامه «اللیل نسلخ» و «القمر قدّرنه» تفسیر «آیه لهم» است، برای همین مرفوع می آید» (طبرسی، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۳۷۲ ش: ۲۰ / ۴۰۷).
اختلاف قرائت در این واژه نیز از لحاظ اعراب است و همین امر منجر به تغییر نقش نحوی واژه می شود که در پی آن معنا تغییر می یابد و دلالت معنایی دارد. اگر «القمر» مرفوع شود، در حکم نقش کلیدی و عمده می شود، در حالی که در این آیه، در حقیقت خداوند خالق هستی نقش مهم و کلیدی را دارد.

۴. «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس / ۸۲): «چون به چیزی اراده فرماید، کارش این بس که می گوید: «باش»؛ پس [بی درنگ] موجود می شود.»

قرائت: ابن عامر و کسایی: «فَيَكُونُ»؛ ابن کثیر، نافع، عاصم، ابوعمر و حمزه: «فَيَكُونُ» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۵۲۶).

علت قرائت منصوب گروه اول نخست برای این است که «فَيَكُونُ» جواب فعل امر «كُنْ» است؛ دوم: «فَيَكُونُ» عطف بر «أَنْ يَقُولَ» شده است: «شأن او این است که چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می گوید: باش و او موجود می شود.»

گروه دوم به دلیل جدا شدن از ماقبلش مرفوع قرائت کرده اند؛ یعنی «فَهُوَ يَكُونُ»؛ بنابراین «فاء» مستأنفه است (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۵۲۶)؛ زمخشری نیز معتقد است: «فَيَكُونُ» جمله ای از مبتدا و خبر است که تقدیرش «فَهُوَ يَكُونُ» است، زمخشری در ادامه می گوید:

«اگر منصوب خوانده شود، در واقع کاری است که منسوب به خود قادر عالم به ذاتش است که تمام اراده اش به ایجاد چیزی تعلق می گیرد. چنین کسی که به ایجاد مقدرات قادر است و عاجز از آن نیست، چطور می تواند برای اعاده آن عاجز باشد» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۱۷ / ۱۱۶).

نوع اختلاف قرائت در این واژه مانند واژه قبل از لحاظ اعرابی است که به دنبال این اختلاف، اختلاف معنایی پیدا شده است؛ ولی چون اصل بر عدم تقدیر است و دو دلیل منصوب بودن قرائت به

حق بوده و به واقع نزدیک تر است، در نتیجه قرائت به رفع مردود می شود. با توجه به بیان اختلاف قرائت در این ۶ آیه، مشخص شد، بیشترین اختلافات در بخش اعراب کلمات قرآنی قواعد نحوی بوده که منجر به اختلاف معنا شده است.

ب. قرائات بی تأثیر در معنای آیات سوره یس

اختلاف قرائات که گاهی ناشی از تفاوت در اعراب، حروف و تعداد (قواعد صرفی) و گاهی ناشی از اختلاف در آوردن کلمه مترادف یا اختلاف در تقدم و تأخر کلمات و اختلاف در حذف و اثبات حرف (قواعد نحوی) و گاهی اختلاف در لهجه است، می تواند در بسیاری از موارد در معنا بی تأثیر باشد.

اول. اختلاف قرائات ناشی از قواعد صرفی

۱. «وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (یس / ۱۰)؛ «و آنان را چه بیم دهی [و] چه بیم ندهی، به حالشان تفاوت نمی کند، نخواهند گروید.»

قرائت: عاصم، کسایی و ابن عامر تحقیق دو همزه را دارند؛ نافع، ابن کثیر و ابو عمرو: همزه به تسهیل همزه دوم و تحقیق دومی قرائت می شود، تخفیف همزه صورت می گیرد (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷/ ۴۶۳؛ مکی بن حموش، الکشف عن وجوه القرائات، ۱۴۰۷: ۱/ ۷۱).

الشرطونی در کتاب مبادی العربیه آورده است، زمانی که دو همزه کنار هم بیایند، جایز است یا بنا بر تخفیف یکی از آن ها حذف شود و یا بنا بر قاعده تخفیف وجوبی دو همزه تبدیل به حرف مدی شود و یا همزه ها به همان حالت باقی بمانند که در هر صورت تخفیف یا عدم تخفیف همزه در معنا اثری ندارد؛ چراکه در صورت تخفیف نیز دریافت استفهام وجود دارد (الشرطونی، مبادی العربی، ۳۸۱/ ۱۳۸۷: ۴).

دستور تخفیف همزه واجب طبق قواعد مهموز در صورتی است که همزه اول متحرک و همزه دوم ساکن باشد. در حالی که در اینجا همزه دوم متحرک است، بنابراین تخفیف همزه رخ نمی دهد. از این رو، تحقیق دو همزه ارجح است. بیشترین تخفیف همزه را به جهت سهولت در تلفظ قبیله قریش و حجاز در گویش خود داشته اند.

۲. «مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ» (یس / ۴۹)؛ «جز یک فریاد [مرگبار] را انتظار نخواهند کشید که هنگامی که سرگرم جدالند، غافلگیرشان کند.»

قرائت: عاصم، کسایی و ابن عامر: «يَخِصِّمُونَ»؛ نافع، ابن کثیر و ابو عمرو: «يَخَصِّمُونَ» (فراء،



معانی القرآن (فراء)، ۱۹۸۰ م: ۲ / ۳۷۹.

«يَخْصُمُونَ» در اصل «يَخْتَصِمُونَ» بوده، مصدرش اختصام، مجادله و مخاصمه است، حرکت «تاء» به «خاء» انتقال یافته و «تاء» طبق قاعده ابدال به «صاد» تبدیل شده و در «صاد» ادغام شده است که در این صورت چون هم «خاء» ساکن است، هم «تاء»، التقاء ساکنین رخ داده است. به همین دلیل به «خاء» کسره داده اند که این بهترین وجه است (ثعلبی، الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، ۱۴۲۲ ق: ۸ / ۱۳۰؛ طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، ۱۴۱۲ ق: ۲۳ / ۱۰). کسانی که «خاء» را به فتحه خوانده اند، معتقدند: «اختلاس» فتحه در اصل برای «خاء» نیست؛ و همین طور کسی حرکت «خاء» را مخفی کرده، اخفاء آن هم در اصل برای «خاء» نیست، بنابراین «خاء» نباید ساکن باشد، چون التقاء ساکنین پیش می آید؛ پس لازم است یا حذف شود یا متحرک (فتحه) گردد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۳۳ / ۱۷۶). اختلاف در اعراب که ناشی از قاعده ادغام است (اجرای قاعده ادغام جایز است) تغییر معنایی در واژه رخ نمی دهد.

۳. «وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس / ۶۱)؛ «و اینکه مرا پرستید؛ این، راه راست است!» قرائت: عاصم، حمزه و ابوعمر: «أَنْ أَعْبُدُونِي»؛ ابن کثیر، نافع، ابن عامر و کسای: «أَنْ أَعْبُدُونِي» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۵۰۸؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۵۹۱). کسانی که نون را در «أَنْ» به کسره خوانده اند، جهت جلوگیری از التقاء ساکنین و بنا بر وصل این چنین قرائت کرده اند. باقی قراء به دلیل ابتدا به فعل «نون» را ضمه قرائت کرده اند «أَنْ أَعْبُدُونِي». اختلاف قرائت در این آیه ناشی از تفاوت اعراب است که با توجه به رعایت قواعد تجویدی دلیل قرائت گروه اول صحیح است.

۴. «لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقِّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ» (یس / ۷۰)؛ «تا هر که را [دلی] زنده است، بیم دهد و گفتار [خدا] در باره کافران محقق گردد.» قرائت: ابن کثیر، ابوعمر، عاصم، حمزه و کسای: «لِيُنْذِرَ»؛ نافع و ابن عامر: «لِيُنْذِرَ» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۵۱۸).

گروهی که غایب تلفظ کرده اند، فاعل را پیامبر یا قرآن گرفته اند و گروه دیگر مخاطب را پیامبر گرفته اند (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۴ / ۲۷؛ طبری، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۳۷۲ ش: ۲۰ / ۴۳۰). چه این تعلیل مربوط به جمله «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ» (یس / ۶۹)؛ باشد، چه متعلق به جمله «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ» (یس / ۶۹)؛ در هر دو صورت معنا این گونه می شود: تا انداز کند، آن کسی را که

زنده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۳۳ / ۱۷۵). صاحب تفسیر خازن، دلیل انتخاب «لینذر» را انداز دهندگی خداوند می داند (خازن، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، ۱۴۱۵ ق: ۴ / ۱۳).

اختلاف قرائت ناشی از تفاوت در حروف است. در این آیه چون مخاطب پیامبر اکرم ﷺ است، تغییر معنایی ایجاد نمی گردد و از جهت هماهنگی و همسو بودن با فعل غائب «يَحْيِي» انتخاب «لینذر» شایسته و با قرائت مشهور سازگارتر است.

دوم. اختلاف قرائات ناشی از قواعد نحوی

۱. «قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» (یس / ۱۹)؛ «[رسولان] گفتند: شومی شما با خود شماست، آیا اگر شما را پند دهند، [باز کفر می ورزید؟ نه!] بلکه شما قومی اسراف کارید.»

قرائت: عاصم، ابن عامر، کسایی و حمزه «به دو همزه قرائت کرده اند. همزه نخست مفتوحه بوده و برای استفهام و همزه دوم مکسوره برای آن شرطیه است»؛ نافع، ابن کثیر و ابو عمرو: جهت تسهیل بین دو همزه، همزه دوم را «یاء» تلفظ کرده اند» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۴۶۸).
طبرسی همزه اول «اَین» را استفهام گرفته و «اَین» را ادات شرط گرفته و جواب شرط «اَإِنْ ذُكِّرْتُمْ تشاء مَتَم» حذف شده و تقدیرش این گونه است: «اَإِنْ تَطِيرُنَا بِكَمْ تَشَاءُ مَتَم بِكَمْ» و هر آینه شما فال بدزدید، فال بد شما نتیجه ای به خود شماست؛ و قاری که همزه را فتح قرائت کرده، این معنا را اراده کرده است «لَا اَنْ ذُكِّرْتُمْ تَشَاءُ مَتَم»؛ به خاطر تذکر دادن به شما آن را شوم می دانید. چون «اَنْ» به فتح همزه قرائت شده، مصدر مؤول معنا می شود (طبرسی، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۳۷۲ ه: ۲۰ / ۳۷۶).

علامه طباطبایی استفهام در جمله «اَإِنْ ذُكِّرْتُمْ» را استفهام توییخی گرفته و جمله را جمله شرطیه؛ و بیان می دارد، جزای شرط حذف شده است تا اشاره به این کند که جزایش آن قدر شنیع است که نمی توان بیان کرد. تقدیر جمله چنین است: «اگر تذکر داده شوید؛ به حق، این تذکر را با انکار شنیع و تطهیر و تهدید رسوایتان، مقابله می کنید» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۳۳ / ۱۴۵).
اختلاف قرائت ناشی از إعراب و تغییر حرف در این واژ تغییر معنایی به دنبال نداشته است، شرایط تبدیل همزه به یاء در «اَین» وجود ندارد؛ چراکه طبق قاعده مهموز دو همزه در کنار هم اولی کسره، دومی ساکن تبدیل به یاء می شود، درحالی که در این واژه همزه اول فتح است. از طرفی حرف شرط



گرفتن با سیاق و تفسیر آیه سازگارتر است.

۱. «وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس/ ۲۲): «آخر چرا کسی را نپرستم که مرا آفریده است و [همه] شما به سوی او بازگشت می‌یابید؟»

قرائت: حمزه: «مالی»؛ ابن عامر، عاصم، کسایی، ابن کثیر و نافع: «مالی» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷/ ۴۷۳؛ مکی بن حموش، الكشف عن وجوه القرائات، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۲۲۰).

گروهی که «یاء» را به سکون قرائت کرده‌اند، طبق قاعده تجویدی وقف کرده‌اند. درحالی‌که اجرای این قاعده در اینجا صحیح نیست، چون «لا اعبد» مستأنفه می‌شود، درحالی‌که طبق سیاق و تفسیر نمی‌تواند (لا اعبد) مستأنفه باشد، ولی در آیه: «وَتَقَفَّذَ الظِّيرَ فَقَالَ مَا لِي لَا أَرَى الْهُدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ» (نمل/ ۲۰): «و جویای [حال] پرندگان شد و گفت: «مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم؟ یا شاید از غایبان است؟»، «یاء» باید ساکن شود، چون «لا أَرَى» مستأنفه است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۳۳/ ۱۶۷).

اگر فتحه خوانده شود، به دلیل رفع التقای ساکنین فتحه قرائت می‌شود. اختلاف قرائت در این آیه اعرابی و آوایی است و در این آیه تغییر معنایی ایجاد نمی‌کند، ولی قرائت به سکون به دلیل ذکر شده و شاذ بودن قابل اعتنا نیست. با این‌که این واژه با قرائت‌های متفاوت تغییر معنایی نداشته است، ولی حرکتش در جمله بعد و نهایتاً در ترجمه آیه تأثیرگذار است.

۲. «وَإِنْ كُلٌّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ» (یس/ ۳۲): «و قطعاً همه آنان در پیشگاه ما احضار خواهند شد.»

قرائت: عاصم، حمزه و ابن عامر: «لَمَّا»؛ نافع، ابن عمرو، ابن کثیر و کسایی: «لما». گروهی که «لَمَّا» را مشدد خوانده‌اند، آن را به معنای «إِلَّا» و «إِنْ» را به معنای «مَای نافیة» و «ابتدائیت» گرفته‌اند و «كُلٌّ» که تنوین دارد، نشانگر مضاف الیه محذوف است. بنابراین تقدیر آیه این‌گونه است: «مَا كُلُّهُمْ مُحْضَرُونَ جَمُوعُونَ مُحْضَرُونَ لِلْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا...». اگر گفته شود که معنای «كُلٌّ» دلالت بر واحد دارد، چرا شما از آن معنای جمع گرفته‌اید؟ در پاسخ باید گفت: «كُلٌّ» دلالت بر احاطه دارد و از احاطه نمی‌توان معنای «أحد» گرفت. معنای جمع هم در آیه اجتماع است و با این معنا که در قیامت همه آن‌ها جمع می‌شوند، سازگار است.

گروهی که «میم» را به تخفیف قرائت کرده‌اند، این نظر را نفی کرده و بیان می‌دارند، وجهی برای تشدید در قرائت نیست. «ما» برای تأکید است و «إِنْ» دلالت بر مخففه از ثقیله دارد و چون دو تأکید

در کنار هم قرار نمی‌گیرند، به صورت قهری «لام» بر سر «ما» آمده است و این «لام» در «لَمَّا» فارقه است و «ما» زانده است؛ یعنی «إِنْ كُلٌّ لِّجَمِيعٍ» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۴ / ۱۴).

علامه طباطبایی معتقد است، لفظ «ان» در اینجا حرف نفی است و کلمه «کُلٌّ» مبتدا و تنوینش عوض از مضاف الیه است و کلمه «لَمَّا» به معنای «الَّا» و کلمه جمیع به معنای مجموع است و «لدینا» ظرفی است و متعلق به همان مجموع و کلمه «مُحْضَرُونَ» خبر بعد از خبر است که همان جمیع باشد. به هر حال معنا این گونه است: بدون استثناء همه‌شان دسته جمعی در روز قیامت برای حساب و جزاء نزد ما حاضر خواهند شد» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۳۰ / ۱۳۳؛ طبرسی، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۳۷۲ ش: ۲۰ / ۳۹۶).

با توجه به وجود اختلاف قرائت ناشی از تفاوت در اعراب و نشانه، تغییر معنایی ایجاد نگردیده است و بنا بر دلایل نحوی که صاحب المیزان و صاحب مجمع البیان بیان داشتند، این قرائت هم بنا بر سیاق و تفسیر صحیح و هم طبق قرائت مشهور است.

۳. «لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ» (یس / ۳۵)؛ «تا از میوه آن و [از] کارکرد دست‌های خودشان بخورند، آیا باز [هم] سپاس نمی‌گذارند؟»

قرائت: ابن کثیر، نافع، ابوعمر، ابن عامر و عاصم: «عَمِلَتْهُ»؛ حمزه و کسایی: «عَمِلَتْ» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۴۸۴؛ مکی بن حموش، الکشف عن وجوه القرائات، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۲۱۶).

در این آیه ابن کثیر، نافع، حفص از عاصم و عبدالله بن مسعود، «عَمِلَتْهُ» خوانده‌اند و عاصم در روایت ابی بکر و حمزه و کسایی «عَمِلَتْ» خوانده‌اند. هر دو گروه بنا بر کتابتی که در مصحف خود داشته‌اند، قرائت کرده‌اند. اختلاف قرائت در حذف و اثبات حرف است که با دلایل نحوی اثبات حرف مرجح است. «ما» در «مَا عَمِلَتْهُ» می‌تواند ما موصوله یا موصوفه یا نافی باشد. اگر آن موصوله و موصوفه باشد، در قرائت «عَمِلَتْ» ضمیر عائد به موصول یا موصوف محذوف می‌شود؛ زیرا در هر دو مرجع ضمیر «ما» است؛ اما اگر «ما» نافی باشد، برگشت ضمیر به «ثَمَرِهِ» خواهد بود و در این صورت نیز در قرائت «عَمِلَتْ» بدون ضمیر رابط خواهد بود. در صورتی که قرائت شایع دارای ضمیر عائد بوده و نیازی به گرفتن تقدیر نیست و نسبت به قرائت غیر مشهور ترجیح دارد.

سوم. اختلاف قرائات ناشی از قواعد لهجه

۱. «یَسْ» (یس / ۱)؛ یس [یاسین]..



قرائت: حمزه، عاصم و کسایی: «یاسین» قرائت کرده‌اند. ابن‌کثیر، نافع، ابن‌عامر و ابوعمر و «یسین» قرائت کرده‌اند (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۴۵۵ / ابن زنجله، حجه القراءات، ۱۴۰۴ ق: ۵۹۵).

«یس» از حروف مقطعه‌ی قرآن است، از بهترین اقوال در مورد حروف مقطعه این است که این حروف رمزی بوده و میان خدا و رسولش، اختصاصی است. غرض تفهیم و تفهّم دیگران نیست، بلکه رمز و نشانه‌ای بین خدا و حضرت محمد ﷺ است؛ غیر از این حروف، آیات دیگر قرآن برای فهمیدن همگان است. از ابن عباس رسیده که بنا به لغت و لهجه قوم طّی «یس» یعنی «یا انسان»، توجیهی هم داشته‌اند بنابراین که یعنی «یا انسان کامل»؛ یعنی «یا محمد ﷺ» و دلیلش آیه «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» (یس/۳) است (دستغیب شیرازی، قلب قرآن، تفسیر سوره مبارکه یس، ۱۳۶۱).

امام صادق (ع) فرمودند:

«یاسین نام پیامبر خداست، زیرا خداوند بعد از آیه «یاسین» می‌فرماید: «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» (حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵ ق: ۴ / ۳۷۵).

قرائی که به «یاسین» قرائت کرده‌اند، تأسی به بیان ابن عباس نموده و به لهجه قوم طّی قرائت کرده‌اند و قرائی که «یسین» قرائت کرده‌اند، لفظ را مانند «این» و «کیف» در نظر گرفته‌اند (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۴۵۶؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۵).

اختلاف قرائت در اعراب و حذف و اثبات حرف، ناشی از لهجه است، ولی «یس» به دلیل حروف مقطعه بودن اگر به هر لهجه‌ای قرائت شود و هر حالتی خوانده شود، تأثیری در معنا ندارد؛ چراکه حقیقت آن نزد خدا و رسولش است.

۲. «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ» (یس/۱۴)؛ «آن‌گاه که دو تن سوی آنان فرستادیم، و [لی] آن دو را دروغزن پنداشتند، تا با [فرستاده] سومین [آنان را] تأیید کردیم، پس [رسولان] گفتند: ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده‌ایم.»

قرائت: حمزه: «الیهم»؛ عاصم، کسایی، ابن‌عامر، نافع، ابن‌کثیر و ابوعمر و: «إِلَيْهِمْ» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۴۶۶).

حمزه بنا بر اصل که زبان قریش و حجاز است، «مضموم» قرائت می‌کند. باقی مانده قرّا به دلیل مناسبت به «یاء کسره» می‌خوانند (همان). اختلاف قرائت، ناشی از لهجه قبیله قریش و حجاز است. علت لهجه در اختلاف قرائت منجر به تغییر معنا و به دلیل شاذ بودن قرائت به ضمه شاذ مورد اعتنا واقع

نمی شود.

۳. «فَلَا يُحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يَسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ» (یس / ۷۶)؛ «پس، گفتار آنان تو را غمگین نگرداند که ما آنچه را پنهان و آنچه را آشکار می‌کنند، می‌دانیم.»
قرائت: نافع: «فلا يُحْزَنُكَ»؛ ابن‌کثیر، عاصم، ابن‌عامر، ابوعمر، کسائی و حمزه: «يُحْزَنُكَ»
(خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۵۲۲).

گروه اول از «أَحْزَنَ» گرفته و این زبان قبیله بنی‌تمیم است؛ و گروه دوم از «حزن» گرفته و آن زبان قریش است (همان). اختلاف در قرائت ناشی از لهجه قبایل قریش و بنی‌تمیم است. نافع با این‌که بر مبنای لهجه بنی‌تمیم «حزن» را به باب برده، ولی تفاوتی با معنای ثلاثی مجردش ندارد. قرائت نافع به دلیل شاذ بودن و نزدیک بودن زبان قریش به قرآن، قرائت «يُحْزَنُكَ» صحیح است.

چهارم. اختلاف قرائات ناشی از قواعد آوایی

۱. «أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ» (یس / ۲۳)؛ «آیا به جای او خدایانی را بپرستم که اگر [خدای] رحمان بخواهد، به من گزندی برساند، نه شفاعتشان به حالم سود می‌دهد و نه می‌توانند مرا برهانند؟»

قرائت: عاصم، نافع و ابوعمر: «یردنی»؛ حمزه، ابن‌کثیر، کسائی و ابن‌عامر: «یردن» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۴ / ۱۰؛ خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۹۶)؛ نافع: «ینقذونی»؛ حمزه، ابن‌کثیر، کسائی، ابن‌عامر، عاصم و ابوعمر: «ینقذون» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۴ / ۱۰؛ خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۹۶).

گروه دوم به دلیل وصل به «الرحمن» کسره قرائت کرده‌اند و «یاء» را حذف کرده‌اند. اختلاف قرائت در این دو واژه ناشی از حذف و اثبات حرف است و در هر دو فعل کسره قرینه بر وجود «یاء متکلم» است که حذف شده است. «یردنی» و «ینقذونی»، این حذف و اثبات هیچ تغییر معنایی ایجاد نمی‌کند؛ چراکه کسره نیابت از ضمیر است و از طرفی همگونی زیبایی بین سه واژه «یردن، تغن، ینقذون» ایجاد شده است.

۲. «إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (یس / ۲۴)؛ «در آن صورت من قطعاً در گمراهی آشکاری خواهم بود.»

قرائت: نافع و ابوعمر: «إِنِّي»؛ عاصم، ابن‌کثیر، ابن‌عامر، حمزه و کسائی: «إِنِّي» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۷۰).



- اختلاف قرائت ناشی از إعراب و آواست و هیچ گونه تغییر معنایی در پی ندارد.
۳. «إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ» (یس / ۲۵)؛ «پس، از من (ای رسولان) بشنوید (و گواه باشید) که به خدای (فرستنده) شما ایمان آوردم».
- قرائت: عاصم: «فَاسْمِعُونِ»؛ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، کسائی و حمزه: «فَاسْمِعُونِ».
- اختلاف قرائت ناشی از إعراب است که در این آیه منجر به تغییر معنا می شود. عاصم با قرائت فتحه ضمیر متکلم «یا» را نادیده گرفته و حذف کرده است، در حالی که با توجه به ضمیر «یا» در «إِنِّي» و «تُ» در «آمَنْتُ» ضمیر «یا» در «فاسمعون» الزامی است. البته همان طور که قبلاً اشاره شد، کسره نیابت از ضمیر متکلم می کند و طبق سیاق و تفسیر آیه قرائت به کسره صحیح است.
۴. «وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَحِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ» (یس / ۳۴)؛ «و در آن [زمین] باغ هایی از درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمه ها در آن روان کردیم».
- قرائت: نافع، عاصم، ابن کثیر و کسائی: «الْعُيُونِ»؛ ابوعمر و حمزه: «الْعُيُونِ» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۴۸۳؛ مکی بن حموش، الکشف عن وجوه القرائات، ۱۴۰۷ ق: ۱ / ۲۸۴).
- اختلاف قرائت در این آیه هم از لحاظ إعراب است، ولی تغییر معنا را به دنبال خود ندارد. گروه اول که به کسر «عین» قرائت کرده اند، مناسبت کسره با «یا» را مدنظر گرفته اند و همخوانی کسره با ضمه بعد را در نظر نگرفته اند که همین امر موجب ثقات در تلفظ است. در حالی که با توجه به همخوانی ضمه با واو بهتر است، «عین» ضمه بگیرد تا سهولت در خواندن ایجاد گردد.
۵. «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكُهُونٍ» (یس / ۵۵)؛ «در این روز، اهل بهشت کاروبار خوش در پیش دارند».
- قرائت: نافع، ابن کثیر و ابوعمر: «شُغْلٍ»؛ ابن عامر، عاصم، حمزه و کسائی: «شُغْلٍ» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۵۰۳).
- اختلاف قرائت در این آیه نیز از لحاظ إعراب است و تغییر در معنا ایجاد نمی کند. هر دو به معنای مشغول بودن به کاری هستند، تنها تفاوت در نوع مشغولیت است. «شُغْلٍ» کار یدی منظور است، ولی «شُغْلٍ» معنای عام تری دارد که با توجه به معنای آیه تلفظ ضمه صحیح تر است.
۶. «هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِنُونَ» (یس / ۵۶)؛ «آن ها با همسران شان در زیر سایه ها بر تخت ها تکیه می زنند».
- قرائت: حمزه و کسائی: «ظَلَّلَ (جمع: ظِلَّة)»؛ عاصم، نافع، ابن کثیر، ابن عامر و ابوعمر: «ظِلَالٍ»

(جمع: ظَلَّه، ظُلَّه) (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۵۰۴؛ مکی بن حموش، الکشف عن وجوه القرائات، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۸۱۹).

اختلاف قرائت در حذف و اثبات حروف است، ولی با این حال هیچ تغییر معنایی در پی ندارد؛ چراکه هر دو جمع بوده و از نظر معنایی و سیاق هماهنگ است؛ اما به دلیل وجود «یاء» قبل از کسره ضلال، همخوانی و منطبق بودن با قرائت مشهور این قرائت صحیح است.

۷. «وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ» (یس / ۶۲)؛ «و [او] گروهی انبوه از میان شما را سخت گمراه کرد؛ آیا تعقل نمی کردید؟»

قرائت: ابن کثیر، حمزه و کسایی: «جُبَلًا»؛ ابوعمر و ابن عامر: «جُبَلًا»؛ نافع و عاصم: «جِبِلًّا» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۵۱۱؛ نحاس، اعراب القرآن، ۱۴۲۱ ق: ۲ / ۷۳۰).

کلمه «جِبِلًّا» به معنای جماعت است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۳۳ / ۱۸۷)؛ اختلاف قرائت در اعراب است که با توجه به نظر مفسر بزرگ طبرسی همه به یک معنا است (معنای تمام لغت‌های «جبل» خلق فراوان و جماعت انبوه و جمع افرادی است که طبیعت و سرشت-شان بر اوست) (طبرسی، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۳۷۲ ش: ۲۰ / ۴۳۷).

یکی بودن حرکات، سهولت در تلفظ را به دنبال دارد، بنابراین قرائت به سکون ابوعمر و ابن عامر کنار گذاشته می‌شود و پیروی از قرائت مشهور منجر به بی‌اعتنایی به قرائت ابن کثیر و حمزه و کسایی می‌شود. و قرائت صحیح «جِبِلًّا» است.

۸. «أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ» (یس / ۸۱)؛ «آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، توانا نیست که [باز] مانند آن‌ها را بیافریند؟ آری، او آفریننده داناست.»

قرائت: حمزه و کسایی، به «اماله»؛ ابن کثیر، ابن عامر، عاصم، ابوعمر و نافع به «فتح» قرائت کرده‌اند (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۵۲۵).

اختلاف قرائت در واژه «بَلَىٰ» آوایی است؛ به همین دلیل تغییر معنایی به دنبال ندارد. عاصم فقط اماله کبری در آیه ۴۱ سوره هود «مجریها» را قبول دارد و باقی قراء اماله صغری را در آیات مختلف قبول دارند (حبیبی، روانخوانی و تجوید قرآن کریم، ۱۳۹۴ ش: ۲۳۵).

نتیجه

از مجموع ۲۷ مورد اختلاف قرائت در سوره یس، ۸ مورد همراه با تغییر معنایی و ۱۹ مورد بدون



تغییر معنایی بوده است.

از ۸ مورد اختلاف قرائت همراه تغییر معنایی، ۴ مورد اختلاف قرائت ناشی از قواعد صرفی، ۴ مورد اختلاف قرائت ناشی از قواعد نحوی و ۱ مورد اختلاف قرائت ناشی از آوایی بوده است.
 از ۱۹ مورد اختلاف قرائت بدون تغییر معنایی، ۴ مورد اختلاف قرائت ناشی از قواعد صرفی، ۴ مورد اختلاف قرائت ناشی از قواعد نحوی، ۳ مورد اختلاف قرائت ناشی از لهجه و ۸ مورد اختلاف قرائت ناشی از قواعد آوایی بوده است.

با بررسی‌هایی که انجام شد، معنای دقیق‌تر واژگان قرآنی بر اساس قرائت مشهور و سیاق آیات قابل تحصیل و در قالب موارد، قرائت مشهور هم‌سو با سیاق آیات و ساختارهای زبان عربی است.
 در برخی موارد مانند آیات ۵-۹-۲۳-۲۵-۳۴ قرائت عاصم مانند قرائت قرآن نیست؛ چراکه اولویت با قرائتی است که با سیاق و تفسیر آیات هماهنگ باشد و شهرت تنها دلیل قرائت معتبر نیست.
 اکثر واژه‌های قرآنی مورد اختلاف در کیفیت قرائت از لحاظ صرفی، نحوی، آوایی و لهجه‌ای است که تأثیر چشم‌گیر و بسزایی در ترجمه و تفسیر آیات نداشته و می‌توان آن موارد را نوعی ملاحظت و ظرافت دانست.

جدول شماره ۱- قرائات مؤثر در معنای آیات سوره یس

آیه	مصحف (قرائت عاصم)	سایر قرائات	قاریان موافق با عاصم	قاریان مغایر با عاصم
اختلاف قرائات ناشی از قواعد صرفی				
۳۱	لَا يَرْجِعُونَ	لَا يَرْجِعُونَ	نافع، حمزه، کسایی، ابن کثیر، ابن عامر	ابوعمر و
۳۳	الْمَيْتَةُ	الْمَيْتَةُ	حمزه، کسایی، ابن کثیر، ابن-عامر	نافع
۴۱	ذَرِيَّتِهِمْ	ذُرِّيَّاتِهِمْ	ابن کثیر، ابوعمر و، کسایی	نافع، ابن عامر
۶۸	تُنَكَّسُهُ	تَنَكَّسَهُ	حمزه	ابن کثیر، ابن عامر، ابوعمر و، کسایی و نافع
	أَفَلَا يَعْلَمُونَ	أَفَلَا تَعْقِلُونَ	ابن کثیر، کسایی، حمزه	نافع، ابن عامر

اختلاف قرائات ناشی از قواعد نحوی				
۵	تنزیلُ	تنزیلُ	نافع، ابن کثیر، ابوعمر و	ابن عامر، حمزه، کسائی
۹	سُدّا	سُدّا	ابن کثیر، نافع، ابن عامر، ابوعمر و	حمزه، کسائی
۳۹	قَمَر	قَمَر	حمزه، ابن عامر، کسائی	نافع، ابن کثیر، ابوعمر و
۸۲	فیکونُ	فیکونُ	ابن کثیر، نافع، ابوعمر و حمزه	ابن عامر، کسائی

جدول شماره ۲- قرائات بدون تأثیر در معنای آیات سوره یس

آیه	مصحف (قرانت عاصم)	سایر قرائات	قاریان موافق با عاصم	قاریان مغایر با عاصم
اختلاف قرائات ناشی از قواعد صرفی				
۱۰	تحقیق دو همزه	«حمزه به تسهیل حمزه دوم» و «تحقیق دومی»	کسائی، ابن عامر	نافع، ابن کثیر، ابوعمر و
۴۹	يَخْصِمُونَ	يَخْصِمُونَ يَخْصِمُونَ	کسائی، ابن عامر	نافع، ابن کثیر، ابوعمر و
۶۱	أَنْ اعْبُدُونِي	أَنْ اعْبُدُونِي	حمزه و ابوعمر و	ابن کثیر، نافع، ابن عامر کسائی
۷۰	لِيُنْذِرَ	لِيُنْذِرَ	ابن کثیر، ابوعمر و، حمزه، کسائی	نافع، ابن عامر
اختلاف قرائات ناشی از قواعد نحوی				
۱۹	«همزه مفتوحه برای استفهام» و «همزه دوم مكسوره برای	جهت تسهیل بین دو همزه، همزه دوم «ياء» است	ابن عامر، کسائی و حمزه	نافع، ابن کثیر، ابوعمر و



	آن شرطیه»			
۲۲	مالی	مالی	ابن عامر، کسائی، ابن-کثیر	حمزه
	إِلَيْهِ	الیهی	کسائی، حمزه، ابن-عامر، ابوعمر، نافع	ابن کثیر
۳۲	لَمَّا	لما	حمزه و ابن عامر	نافع، ابن عمرو، ابن کثیر، کسائی
۳۵	تَمْرِهِ	تُمره	نافع، ابن کثیر، ابن-عامر، ابوعمر	حمزه، کسائی
	هاء	غیر «هاء»	ابن کثیر، نافع، ابوعمر، ابن عامر	حمزه، کسائی
اختلاف قرائات ناشی از قواعد لهجه				
۱	یاء	یاء مفتوحه	حمزه، کسائی	ابن کثیر، نافع، ابن عامر و ابوعمر
	ادغام «نون یس» در «واو و القرآن»	اظهار نون	ابن عامر، کسائی، نافع، ابن کثیر	ابوعمر و حمزه
	إِلَيْهِمْ	الیهم	کسائی، ابن عامر، نافع، ابن کثیر، ابوعمر	حمزه
۷۶	يَحْزُنَكَ	يُحزَنَك	نافع	ابن کثیر، ابن عامر، ابوعمر، کسائی، حمزه
اختلاف قرائات ناشی از قواعد آوایی				
۲۳	إن یردنی	یردن	نافع، ابوعمر	حمزه، ابن کثیر، کسائی، ابن عامر
	يُنْقِدُونَ	ینقذونی	حمزه، ابن کثیر، کسائی، ابن عامر، ابوعمر	نافع

٢٤	إِنِّى	إِنِّى	ابن كثير، ابن عامر، حمزه، كسابي	نافع و ابو عمرو
٢٥	إِنِّى	إِنِّى	ابن كثير، ابن عامر، حمزه، كسابي	نافع و ابو عمرو
	فَاسْمَعُونَ	فَاسْمَعُونَ	-	نافع، ابن كثير، ابو عمرو، ابن عامر، كسابي، حمزه
٣٤	الْعِيُونَ	الْعِيُونَ	نافع، ابن كثير، كسابي	ابو عمرو، حمزه
٥٥	شُغِلْ	شُغِلْ	ابن عامر، حمزه، كسابي	نافع، ابن كثير و ابو عمرو
٥٦	ظُلِّلْ	ظُلِّلْ	نافع، ابن كثير، ابن- عامر، ابو عمرو	حمزه، كسابي
٦٢	جُبِّلَا	جِبِلَّا	نافع	ابن كثير، حمزه، كسابي
	جُبِّلَا	جِبِلَّا		ابو عمرو، ابن عامر
٨١	فتح	اماله	ابن كثير، ابن عامر، ابو عمرو و نافع	حمزه، كسابي



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تحقیق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم، انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران: چاپ سوم، ۱۴۱۸ ق.
۲. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی قرائات العشر، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۳. — منجد المقرئین و مرشد الطالبین، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۴. ابن زنجلة، عبدالرحمن، حجة القراءات، مؤسسة الرسالة، بیروت: چاپ چهارم، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: ابراهیم محدث بندرریگی، نشر اخلاق، قم: ۱۳۷۸ ش.
۶. — الخصال، مؤسسه نشر اسلامی، قم: ۱۴۰۳ ق.
۷. استادی، کاظم، «ارتباط اختلاف قرائات با تحریف قرآن»، پژوهش های قرآنی، شماره ۷۴، ۱۳۹۴ ش.
۸. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحرير و التنویر، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۹. ابوعبیده، معمر بن مثنی، مجاز القرآن، مكتبة الخانجي، قاهره: ۱۳۸۱ ق.
۱۰. الشرطوني، رشيد، مبادئ العربية (قسمت نحو)، تهیه و تنظیم: حمید محمدی، مرکز نشر هاجر، قم: ۱۳۸۷ ش.
۱۱. بیگلری، حسن، سر البیان فی علم القرآن با تجوید کامل استدلالی، نشر سنایی، تهران: ۱۳۶۶ ش.
۱۲. بهارزاده، پروین، «روایت حفص از قرائت عامی و دلایل ترجیح آن»، مجله بینات، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۳۷۵.
۱۳. ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، محقق: ابومحمد ابن عاشور، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، کتابفروشی اسلامیة، تهران: ۱۴۰۳ ق.
۱۵. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مصحح: هاشم رسولی، اسماعیلیان، قم: چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.

۱۶. حسن زاده آملی، حسن، قرآن هرگز تحریف نشد، مترجم: عبدالعلی محمدی شاهرودی، انتشارات قیام، قم: ۱۳۷۱ ش.
۱۷. حبیبی، علی؛ شهیدی، محمدرضا، روان خوانی و تجوید قرآن کریم، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران: ۱۳۹۴ ش.
۱۸. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، نشر دوستان، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۹۳ ش.
۱۹. — قرآن کریم (همراه با ترجمه، توضیحات، واژه نامه)، ویراستاران: مسعود کریمی نیا، مسعود انصاری، نشر نیلوفر، تهران: ۱۳۷۶ ش.
۲۰. خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، مصحح: عبدالسلام محمد علی شاهین، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۲۱. خطیب، عبداللطیف، معجم القرائات، دار سعدالدین للطباعة و النشر، دمشق: ۱۴۲۲ ق.
۲۲. دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، قلب قرآن (تفسیر سوره مبارکه یس)، انتشارات صبا، تهران: ۱۳۶۱ ش.
۲۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم: ۱۳۸۷ ش.
۲۴. زرکشی، محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، محقق: جمال حمدی ذهبی و دیگران، دارالمعرفة، بیروت: ۱۴۱۰ ق.
۲۵. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، دار إحياء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۲۶. زبیدی، ماجد ناصر، التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت علیهم السلام، دار المحجة البيضاء، بیروت: ۱۴۲۸ ق.
۲۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تحقیق: حسین احمد، مصطفی، دار الکتب العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الانتقان فی علوم القرآن، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، نشر امیرکبیر، تهران: چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.



۲۹. — الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۳۰. شیخ الاسلامی، جعفر، آشنایی با سوره های قرآن، پیام آزادی، تهران: چاپ ششم، ۱۳۸۵ ش.
۳۱. شیخ بهایی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة، آقا جمال خوانساری، بی جا: دبیرخانه کنگره آقا حسین خوانساری، ۱۳۷۸ ش.
۳۲. صالح سامرایی، فاضل، معانی النحو، انتشارات نظری، تهران: ۱۳۹۵ ش.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ترجمه هاشم رسولی، ناصر خسرو، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۳۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: احمد حبیب عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۳۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۳۷. عبداللہیان، محمد، قلب قرآن؛ آشنایی با فضیلت و عظمت سوره مبارکه یس، انتشارات مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، قم: چاپ هفتم، ۱۳۸۹ ش.
۳۸. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۳۹. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، محققان: محمدعلی نجار، احمد یوسف نجاتی، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره: چاپ دوم، ۱۹۸۰ م.
۴۰. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محقق: حسین درگاهی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۶۸ ش.
۴۱. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیة، تهران: چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
۴۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، محقق: حسین اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح فارسی: محمدباقر، کمره ای، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران: ۱۴۲۱ ق.

۴۴. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقين فی إلزام المخالفين، کتابفروشی اسلامیه، تهران: بی تا.
۴۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليه السلام، تحقیق: محمدباقر محمودی، دار إحياء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامية، تهران: چاپ دهم، ۱۳۷۱ ش.
۴۷. معارف، مجید، پرسش و پاسخ هایی در شناخت تاریخ و علوم قرآنی، کویر، تهران: ۱۳۹۹ ش.
۴۸. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم: چاپ سوم، ۱۴۱۰ ق.
۴۹. مکی بن حموش، مشکل اعراب القرآن، تحقیق: یاسین محمد سواس، دار الیمامة، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۲۳ ق.
۵۰. —، الكشف عن وجوه القرائات و عللها و حججها، تحقیق: محی الدین رمضان، مؤسسه الرساله، تهران: ۱۴۰۷ ق.
۵۱. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۱ ق.



References

۱. The Holy Quran, translated by Mohammad Mehdi Fooladvand, Research: The faculty of Dar al-Quran al-Karim, Publications of the Office of the Study of History and Islamic Studies, Tehran: Third Edition, ۱۴۱۸ AH.
۲. Ibn Jazri, Muhammad ibn Muhammad, Publishing in the Readings of the Twentieth, vol: ۱, Lebanon: Dar al-Kitab al-Alamiya, ۱۴۱۸ AH.
۳. The savior of the readers and the guide of the students, Bija: Dar al-Kitab al-Alamiya, ۱۴۲۰ AH - ۱۹۹۹ AD.
۴. Ibn Zanjala, Abdul Rahman, Hujjat al-Qura'at, Beirut: Al-Risalah Foundation, fourth edition, ۱۴۰۴ AH.
۵. Ibn Babavieh Qomi, Mohammad Ibn Ali, The Reward of Deeds and the Eagle of Deeds, translated by Ibrahim Muhaddith Bandar Rigi, Qom: Akhlaq Publishing, ۱۹۹۹.
۶. Book of Al-khesal, Qom: Institute of Islamic Publications, ۱۴۰۳ AH.
۷. Ostadi, Kazem, The Relationship between Difference of Readings and Distortion of the Quran, Quranic Researches, No. ۷۴, ۲۰۱۵.
۸. Ibn Ashour, Muhammad Tahir, Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir (Tafsir Ibn Ashour), Beirut: Arab History Foundation, ۱۴۲۰ AH.
۹. Abu Ubaydah, Mu'ammam ibn Muthanna, Majaz al-Quran, Cairo: Al-Khanji Library, ۲۰۰۲.
۱۰. Al-Shartouni, Rashid, Basics of Arabic (syntax section), prepared and edited by Mohammadi, Hamid, vol. ۴, Qom: Hajar Publishing Center, ۲۰۰۸.
۱۱. Bigleri, Hassan, Sir Al-Bayan Fi Alam Al-Quran with complete argumentative Tajweed, Bija: Sanaei Publishing, ۱۹۸۷.
۱۲. Al-Thalabi, Ahmad Ibn Muhammad, Al-Kashf and Al-Bayyan Al-Ma'ruf Tafsir Al-Thalabi, researcher: Ibn Ashour, Abi Muhammad, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi, ۱۴۲۲ AH.
۱۳. ۱۲. Hurr Amili, Muhammad ibn Hasan, The Shiites means to collect the issues of Sharia, edited by Muhammad ibn al-Hasan al-Hurr al-Amili, Tehran: Islamic bookstore, ۱۴۰۳ BC.

۱۴. Hawizi, Abd Ali Ibn Juma, Tafsir Noor al-Thaqalin, fourth edition, corrected by Rasooli, Hashim, Qom: Ismailis, ۱۴۱۵ AH.
۱۵. Hassanzadeh Amoli, Hassan, The Qur'an was never distorted (translation of the chapter on non-distortion of the book Rab al-Arbab), translated by Abdul Ali Mohammadi Shahroudi, Qom: Qayam Publications, ۱۹۹۲.
۱۶. Habibi, Ali, Shahidi, Mohammad Reza, Psychic reading and recitation of the Holy Quran, Bija: International Publishing Company, ۲۰۱۵.
۱۷. Khorramshahi, Baha'uddin, Encyclopedia of Quran and Quranic Studies in Khorramshahi, Fourth Edition, Bija: Friends Publishing, ۲۰۱۴.
۱۸. The Holy Quran (with translation, explanations, glossary), Editors: Masoud Kariminia, Masoud Ansari, Bija: Niloufar Publishing, ۱۹۹۷.
۱۹. Khazen, Ali ibn Muhammad, Tafsir al-Khazen al-Masmi Labab al-Ta'wil in the meanings of al-Tanzil
۲۰. Khatib, Abdul Latif, Dictionary of Readings, vol. ۷, Damascus: Dar Saad al-Din for printing and publishing, first edition, ۱۴۲۲ AH.
۲۱. Dastgheib Shirazi, Seyyed Abdul Hussein, The Heart of the Quran (Interpretation of Surah Yasin), Bija: Saba Publications, ۱۹۸۲
۲۲. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Tafsir Quran Mehr, vol. ۱۷, Qom: Researches of Tafsir and Quranic Sciences, ۲۰۰۸.
۲۳. Zarkashi, Muhammad ibn Bahadur, Al-Burhan in the sciences of the Quran, researcher: Dhahabi, Jamal Hamdi and others, Beirut: Dar al-Ma'rifah, ۱۴۱۰ AH.
۲۴. Zarqani, Muhammad Abdul Azim, The Periods of Mysticism in Quranic Sciences, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi, Bita.
۲۵. Zubaydi, Majid Nasser, The Interpretation in the Interpretation of the Quran according to the People of the House (peace be upon them), Beirut: Dar Al-Muhajja Al-Bayda, ۱۴۲۸ AH.
۲۶. Zamakhshari, Mahmoud Ibn Umar, Al-Kashaf on the truths of the obscure of revelation and the eyes of the narrators in the aspects of interpretation, Hussein Ahmad, Mustafa, vols. ۲ and vol.



۲۷. Siouti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr, Al-Atqan in the sciences of the Quran, translated by Haeri Qazvini, Mahdi, vol. ۱, Tehran: Amir Kabir Publishing, third edition, ۲۰۰۱.
۲۸. Siwati, Abdul Rahman Ibn Abi Bakr, Al-Dar Al-Manthur Fi Al-Tafsir Bal-Mathur, Qom: Public Library of Grand Ayatollah Marashi Najafi (may God have mercy on him), ۱۴۰۴
۲۹. Shaykh al-Islami, Jafar, Introduction to Quranic Surahs, Tehran: Message of Freedom, sixth edition, ۲۰۰۶.
۳۰. Sheikh Baha'i, Mohammad Ibn Hussein, The Key of Al-Falah in the Practice of the Day and the Night, Jamal Khansari, Bija: Secretariat of the Congress of Mr. Hussein Khansari, ۱۹۹۹.
۳۱. Saleh Samaraei, Fazel, Meanings of Syntax, Tehran: Nazari Publications, ۲۰۱۶.
۳۲. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan, Majma 'al-Bayan fi al-Tafsir al-Quran, translated by Rasooli, Hashem, Tehran: Nasser Khosrow Publications, third edition, ۱۹۹۳.
۳۳. Tabari, Muhammad ibn Jarir, Jame 'al-Bayyan fi Tafsir al-Quran (Tafsir al-Tabari), Beirut: Dar al-Ma'rifah, ۱۴۱۲ AH.
۳۴. Tusi, Muhammad ibn Hassan, Al-Tibyan in the interpretation of the Qur'an, edited by Ameli, Ahmad Habib, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi, Bita.
۳۵. Tabatabai, Mohammad Hussein, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, vol. ۳۰ and vol. ۳۳, Qom: Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary of Qom, fifth edition, ۱۴۱۷ AH.
۳۶. Abdullahian, Muhammad, The Heart of the Quran; Familiarity with the virtue and greatness of Yasin Surah, Bija: Publications of the Institute of Islamic Education of Imam Reza (as), seventh edition, ۲۰۱۰.
۳۷. Fakhr.al-Razi, Muhammad ibn Umar, Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb), Beirut: Dar al-Ihya 'al-Tarath al-Arabi, third edition, ۱۴۲۰ AH.
۳۸. Faraa, Yahya bin Ziad, The Meanings of the Qur'an (Faraa), Najjar, Muhammad Ali, Second Edition, Researcher: Nejati, Ahmad Yusuf, Cairo: The Group's of Egyptian Public Library, ۱۹۸۰.
۳۹. Qomi Mashhadi, Mohammad Ibn Mohammad Reza, Tafsir Kanz al-Daqaiq wa Bahr al-

Gharai, Researcher: Dargahi, Hussein, Tehran: Publisher: Ministry of Culture and Islamic Guidance, ۱۹۸۹.

۴۰. Qurashi Bonabi, Ali Akbar, Quran Dictionary, vol. ۵, Tehran: Islamic Books House, sixth edition, ۱۹۹۲.

۴۱. Kafami, Ibrahim Ibn Ali, Aalami, Hussein, Al-Misbah, Beirut: Scientific Institute for Press, ۱۴۱۴ AH.

۴۲. Klini, Mohammad Ibn Ya'qub, Sufficient Principles, Kamra'i Persian translation and commentary, Mohammad Baqir, Tehran: Office of Islamic History and Studies, ۱۴۲۱ AH.

۴۳. Kashani, Fathullah Bashkarullah, The Method of the Righteous in Obliging the Opponents, Vol. ۵, Tehran: Islamic Bookstore, Bita.

۴۴. Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, The Sea of Lights of Jama'at for the news of the pure Imams (peace be upon them), Mahmoudi, Muhammad Baqir, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi, Bita.

۴۵. Makarem Shirazi, Nasser, a group of writers, Tafsir Nomoneh, tenth edition, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya, ۱۹۹۲.

۴۶. Maaref, Majid, Questions and Answers in Understanding History and Quranic Sciences, Bija: Kavir, ۱۳۹۹.

۴۷. Marefat.Mohammad Hadi, Al-Tamheed in Quranic Sciences, third edition, Qom: Qom Seminary Management Center, ۱۴۱۰ AH.

۴۸. Makki Ibn Hamush, The Problem of the Arabs of the Qur'an, Sevas, Yasin Muhammad, vol. ۲, Beirut: Dar al-Imamah, third edition, ۱۴۲۳ AH.

۴۹. Discovering the aspects of readings and their causes and pilgrimages, Ramadan, Mohi-ud-Din, vol. ۱ and vol. ۲, Tehran: Al-Risalah Foundation, ۱۴۰۷ AH

۵۰. ۴۹.Nohas, Ahmad Ibn Muhammad, The Arabs of the Quran (Noahs), vol. ۲, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiyya, ۱۴۲۱ AH.